

سیدنا
 محمد مصطفیٰ
 از کتب موقوفه کتابخانه مبارکه مدرسه
 رضویه
 ۲۱ شال ۳۱۵ هجری قمری
 ۲۳/۴/۱۳۴۴

ادع الی سبیل ربک بالحکمة و
 الموعدة العسنة و جادلهم بالتی هی احسن ..
 (قرآن کریم - سوره نحل)

سرور اهل؟

... در اجتماعی که روزانه صدها مجلات و روزنامه‌های مختلف که
 اکثر آنها جز ترویج بی‌دینی و بی‌بندوباری و دعوت جوانها بهمراکز فساد، کار
 دیگری ندارند، در کشوری که تنها در یک شهرش (تهران) ۱۳ هزار
 میخانه و مشرو و بفروشی وجود دارد و بالاخره در جامعه‌ای که به رقاصها
 و رقاصها و آوازه‌خوانها و مفسدین، هنرمند و هنرپیشه و غیره اطلاق میشود،
 هر چه بر تعداد چنین نشریاتی افزوده شود باز کم مییابد.

در برابر اینگونه صحنه‌ها، همه شما و همه ما مسئول هستیم (کلکم راع و
 کلکم مسؤل عن رعیتة) و مسلماً کسانی که دوش خود را از زیر بار چنین
 وظیفه بزرگی خالی میکنند گناهکارند ...
 (قسمتی از یک نامه، از یک دانشجوی سال ششم طبیعی)

* * *

... و آنچنان غرب زده شده‌ایم که این غرب زدگی از برق زدگی بیشتر
 در ما اثر باقی گذارده و آن از خدا بی‌خبران هم که ما را غافل و در دست خود اسیر
 دیدند، سعی کردند که ما را در عالم خیال و خواب نگهدارند تا ما بیدار شویم
 و خود را از چنگال آنها رها سازیم. برایمان کلیسا ساختند، سینما آوردند

تلویزیون با قساط نصب کردند و در مقابل ، مسجدمان را خراب نمودند ، اخلاق و فکرمان را منحرف ساختند ، دین و عقیده را از ما ربودند ، و در نتیجه ، زندگی ما را با قساط خریدند و بدین مرگ تدریجی دچارمان ساختند . زیرا زندگی که توأم با اسارت باشد ؛ زندگی که توأم با مفاسد اخلاقی باشد ، زندگی که آزادی نداشته باشد ، آنرا نمیتوان زندگی نامید بلکه مرگی است بصورت زندگانی . آری اسلام نیکو است ولی مائیم که راه را گم کرده ایم و از سراط مستقیم هدایت دور افتاده ایم و مفاخر خود را رها کرده و بدنبال بیگانگان دویدیم و آنطور که باید و شاید دین اسلام را بدنیامرفی نکردیم . . .

« . . . از این رو واجب و ضروری است که ما مسلمانان هر چه زودتر از خواب غفلت بیدار شده و مکتب ایمان و اسلام را زنده نموده و مجد و عظمت دیرین خود را برای بار دیگر باز آوریم . و برای نیل باین هدف عالی یگانه راهی که بنظر میرسد ، تبلیغ احکام اسلام و ترویج حقایق قرآن و رهبری و هدایت جوانان است که اگر جوانان امری که پدران فردای اجتماعند و چرخهای زندگی اجتماعی باید بدست اینان بگردش درآید ، بخود آمده و بیدار شوند و اگر مبلنن در مغز آنان راه یافته و آنها را از بیراهه براه راست علم و تقوی و فضیلت سوق دادند ، آنگاه است که میتوان امیدوار شد که جامعه روبرو صلاح رفته و پرچم اسلام که پرچم تقوی و فضیلت است بر فراز بلندترین کاخهای جهان باهتزاز خواهد آمد و این وظیفه بزرگ و مسئولیتی همگانی است که مسامحه در آن روانی و سهل انگاری در آن جایز نیست . پیامبر گرامی فرموده : **کلکم راع و کلکم مسؤل عن رعیتة هر یک از شما در حکم شایانی هستید که مسؤل کسانی میباشید که در تحت رعایت و سرپرستی شما میباشند . . .** »

(دو قسمت کوتاه زامقاله مفصلی از یک دانشجوی ششم طبیعی است که در پیرامون حکمت بمثلت انبیاء الهی ، و فطری بودن ادیان و احکام آسمانی خصوصاً دین مقدس اسلام ، و قصور و تقصیر مسلمانان در اینکه عمل با احکام اسلامی ننموده و از مسلمانانی با سم قناعت کرده و در عمل پیروی از غریبها نموده اند و از اینرو دوچار ناتوانی و عقب ماندگی و بدبختی شده اند و . . . نگاشته اند) .

ندای فطرت

اینها و سدها بلکه هزارها مانند اینها ، همان ندای فطرت و وجدان و ناله استغاثه و استرحام مردمی است که از مشاهدهٔ اوضاع فاسد و ناروا ، و انحراف و سقوط اخلاقی اجتماع کنونی رنج برده و آزار میکشند و گاهگاهی آتشیهای سوزان دل و جان آنان زبانه کشیده و از سر زبان و نوک قلم ایشان سردر آورده و بادرد دل کردن با این و آن تا اندازه‌ای خود را آرامش داده و در مقام چاره جوئی بر میآیند ، و دل و گوش شنونده یا خواننده‌ای را هم که نور فطرت در او بکلی خاموش نشده و نقطهٔ سفیدی در وجدان او باقی باشد رنج داده و ناراحت میکنند تا شاید این نداها را پاسخی و این نواها را اثری فراهم شود .

هزارها ؟ !

ما اگر میگوئیم سدها یا هزارها ، شاید شما تعجب کنید ، در صورتی که اگر درست دقت شود آمار آنها بیش از اینها و شاید از شمار بیرون باشد . آن پدران و مادرانی که با خون دلها و تحمل رنجها و خسارتها فرزندی بار آورده و درخت وجودشان ثمری بخشیده است ، پسری پرورش داده یا دختری بسن رشد رسانده اند و اینک که وقت بهره برداری از آنها است مشاهده میشود که باناله‌ای جانسوز و رقت بار آگهی میکنند : پسری باین نام و نشان ، یا دختری باین مشخصات و خصوصیات یکپهفته است گمشده ، صبح از خانه بقصد دبستان یا دبیرستان بیرون رفته و تاکنون باز نگشته است ، و از او خبری نداریم ؛ بر ما منت بگذارید و ما را در راه پیدا کردن جگر گوشهٔ ما یاری کنید و . . .

و یا مشاهده میشود که : آن آقا پسر یا دختر خانم ؛ در اثر عشق نامقدس شیطانی برخلاف تمام امیدواری‌های آن پدر و مادر و برضد همه آبرو مندیها و سوابق نیک خانوادگی ، همه حقوق و عواطف و فضائل را زیر پا گذاشته و با پیروی از هوای و هوس خود ، تنگی بار آورده و گندی بهم زده و در نتیجه ، باید عمری را توأم با رنج و بدنامی بگذرانند و یا بپندار فراهم ساختن را حتی خیالی و پایان دادن باین زندگی ننکنین ، دست بکار جنایت بزرگ انتحار و خود کشی زده اند .

ویا شنیده میشود : در فلان سفر تفریح دسته جمعی ! یا گردش علمی ! ماشین پر تاب شده و آن پسر یا دختر قربانی شده اند ! یاد در مسافرت تفریحی سالم ! و طبی لازم ! کنار دریا ، آنان دو چارغرق و طعمه دریا گشته اند ، و یا . . . و یا . . . که در همه این احوال آن پدر و مادر بدبخت و تیره روز را برای همیشه داغدار ، و زندگی را بر آنان تلخ و ناگوار ساخته اند و ناله آنان بگوش میرسد که از اوضاع روزاظهار نارضایتی نموده و از مسئولین امور شکایت دارند .

همچنین آن مرد با غیرت و جوان با شرقی که راه و روش همسر نادان خود را ناروادیده و رفت و آمد و آمیزش او را برخلاف موازین عفت و تقوی مشاهده میکند و مدتی برای اینکه شیرازه زندگی خود را از هم نپاشید و کانون محبت خانه را بر هم نزنند ، دیده ها را نادیده و شنیده ها را نشنیده گرفته ، دندان روی جگر گذاشته و سوخته و ساخته است تا بالاخره کار گستاخی آن زن گمراه کاسه صبرش را لبریز نموده و حوصله را بر او تنگ ساخته و بناچار در مقام چاره جوئی برآمده است ؛ بیهوده ناراحتیها و بچه داریها و بی سامانیها را بخود مالیده ، یا در مقام طلاق و جدائی برآمده و یا بی اختیار دست بکار انتقام زده و جنایتی مرتکب شده و اقدام بضرب و قتل آن زن هوس باز و نادان نموده است .

اینها نمونه هایی از یکرشته مفاسد اخلاقی اجتماع کنونی است که دامنگیر جامعه شده و اگر رشته های حقوقی و اداری و بازاری ، زد و خوردها و دزدیها ، تقلبها و رشوه خواریها ، جنایتها و خیانتهایی که همه مرزهای زندگی مردم را فرا گرفته و شبی کم رنگ از هیولای مهیب آنرا در ستون حوادث روزنامه ها و مجلات مشاهده میکنیم بآن ضمیمه شود از هزارها هم تجاوز نموده و مثنوی هفتاد من کاغذ شود ! .

پس این ناله و نواها ؛ از اینگونه پدر و مادرها و زن و شوهرها و مانند آنها که بصورت های گوناگون منعکس میشود ، همان ندای فطرت و ناله استرحام و چاره جوئی است که از این افراد بلند است و گوئی از طبقه دانشمندان و خردمندان ، منتقدین و متمسکین ، کارگردانان و آزاد مردان ، از هر فرد و هر مقام باندازه خودش کمک خواسته و یاری میجویند که همتی کرده و جنبشی

نموده و باین ناپسامانی پایان دهند .
تازه این نداها و نواها در برابر آن نارضایتها و ناروائیها که بسیاری از مردم را آزار داده و در رنج دارد ولی روی ناامیدی و یا ناامساعد دیدن محیط یا جهات دیگر ، صدای آنها در سینهها خفه شده و جان آنها را میکاهد ، بسی ناچیز بوده و قابل سنجش نمیباشد .

* * *

سنگینی وظیفه !

اینها اموری است که مسئولیت ما و هر صاحب وجدان و ایمان و هر علاقه مند بآداب و اخلاق انسانی را شدیدتر ساخته وظیفه تبلیغ و ارشاد را سنگین تر نموده و مقتضی است که این قدمی را که برداشته و راهی را که پیش گرفته ایم دنبال نموده و بانشر معارف اسلامی و تقویت مبانی ایمانی و بسط فضائل اخلاقی تا آنجا که شرائط و امکانات اجازه میدهد این نداها را پاسخ داده و با فسادها و بی بند و باریها مبارزه نمود و راه و رسم زندگی شایسته و انسانی را نشان دهیم .

موانع و مشکلات ؟

از طرفی مشاهده میشود که در چنین محیط و چنین جامعه ای زمینه برای این اقدام بسیار نامساعد ، و موانع و مشکلات بی شماری در پیش است که پیمودن این راه را دشوار ساخته بلکه غیر مقدور مینماید .

فراهم نبودن بودجه مالی ، کمی یاران صادق و همکاران موافق ، نداشتن آزادی در بیان و قلم ، کارشکنیهای داخلی و خارجی ، کثرت فسادها و ناروائیها و جهات دیگری که گفتنی و نوشتنی نیست . و روی هم رفته بالا رفتن سطح مادیت و گرایش نیروی معنویت و اثرات شوم آن در افکار و اخلاق جامعه . هر کدام سدی است که مجال را برای فعالیت های دینی و تربیتی تنگ کرده و بخصوص نتیجه گرفتن از هر اقدامی را دشوارتر ساخته است .

و علاوه ، نشریات بسیاری بنامهای گوناگون ، مسلسل و غیر مسلسل ماهانه و هفتگی ، روزانه و سالانه ، با صورت های جالب و فریبنده و مطالب مسموم و گمراه کننده ، مطابق باهوی و هوس جوانان ، و محرک شهوات و تمایلات پسران و دختران ، بدست مردمی سودپرست و پولدوست ، با تبلیغات پر آب و

تاب و عجب تر اینکه با کمال آزادی و بلکه همکاری گردانندگان اجتماع ، منتشر میشود و افکار و اذهان ساده و پاک فرزندان این کشور مسلمان را آلوده و مسموم نموده و بکلی رابطه آنان را با مؤسسات مذهبی و نشریات دینی قطع کرده و یکسره آنها را ربوده و متوجه باروپا و آمریکا و زندگی مادی و غربی ساخته است .

آیا با این وضع ، آسان یا ممکن است که یک نشریه دینی که بخواهد از مرز دین و اخلاق انسانیت بیرون نرفته و مسئولیت بزرگ این کار را در نظر گرفته و آداب و حدود نویسنده گی را مراعات نماید ، بتواند بحیات خود ادامه دهد ، خصوصاً که در هر آن و زمان ، خود را در پر تگاه خطر و بر خورد مخالفت با امیال و اهوا و افراد و مقامات دیده و مرگ خود را از نزدیک مشاهده نماید .

* * *

سر دوراه !

ما پس از برداشتن قدم اول ، بنوبه خود سر این دوراهی قرار گرفته و خود را مخیر می بینیم که : یا آماده همه گونه خسار تها و زیانهای مادی و ناراحتی- ها ورنجهای روحی شده و روی مسئولیت و انجام وظیفه ، بندای افراد بی پناه و جوانان پاک و اطفال بیگناه ، برادران و خواهران دینی و اسلامی خود باسخر مثبت داده و تا آنجا که مقدور است این راه را پیموده و این خدمت را ادامه دهیم و یا اینکه چشم راهم گذاشته و گوش را آگنده از پنبه داشته ، ندای وجدان را خفه نموده و دیده و شنیده را نادیده و ناشنیده انگاشته و خود را آسوده نموده و راحت طلبی را پیشه سازیم . جامعه را و فساد و نابودی میرود ؛ پسران و دختران مسلمان در منجلاب فحشاء غوطه ور میگردند ؛ اطفال معصوم و بیگناه ، هرزه و بی- ایمان با رمیآیند ، حقوق مسلمانان و اعراض و نوا میس آنان در خطر است و خلاصه ، اساس دینت و اصول و فروع ، احکام و حدود ، اخلاق و رسوم آن ، مورد هجوم دشمنان دانا و دوستان نادان واقع شده است ، باشد ، ما را باین حرفها چه کار ؟ ، دیگران هستند که این وظائف را انجام دهند ، و دین را صاحبی است !

راه اول

آری ما خود را سر این دوراه می بینیم ، ولی برای احترام گذاشتن بندها و استغاثه برادران و خواهران مسلمان ؛ و جوانان و فرزندان پاک سرشت و روشن بین خود ، هر چند که عده آنان بظاهر کمتر باشد ، و برای ادای دین و انجام وظیفه ، نسبت بساحت مقدسه دیانت ، و پاسداری و سپاسگزاری از زحمات و خدمات آن مردان فضیلت و حقیقت ، که با فداکاریها و دادن مالها و جانها ، شالوده این اساس محکم و خدائی را ریخته و در طول چهارده قرن با خون دلها و تحمل رنجها آنرا نگهداری نموده اند ، راه اول را هر چند دشوارتر باشد پیش گرفته و بخواست خداوند تا آنجا که توانائی داشته باشیم این هدف را دنبال میکنیم امید است که قادر متعال هم چنانچه وعده فرموده است ما را یاری نموده و دلهای برادران و جوانان را بسوی ما متوجه ساخته و آنانرا بهمکاری و یاری ما بکشاند و **لینصرن الله من ینصره** ، ان الله لقوی عزیز .

کتابخانه مسجد اعظم - ابوالقاسم دانش آشتیانی